

بررسی ساختار جمله پایانی متن‌های کتاب نهم دینکرد

پورچیستا گشتاسبی اردکانی (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده: در پژوهش حاضر به بررسی پیام گردآورندگان کتاب نهم دینکرد، که به صورت یک جمله چهار واژه‌ای در پایان هر متن آمده است، پرداخته خواهد شد. معنی و مفهوم جمله‌ها ناشی از چینش متفاوت واژه‌هاست که در کل سه پیام مشخص دارد: (۱) پرهیزگاری بهترین آبادی است، (۲) آبادی بهترین پرهیزگاری است، (۳) پرهیزگاری و آبادی بهترین است. در متن مقاله ساخت این جمله‌ها و چینش آنها و نوع واژه‌ها در جمله، تجزیه و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: دینکرد نهم، فعل ربطی، اسم معنی، صفت برترین (عالی)، اصل ضرب در قانون احتمال

۱. مقدمه

دینکرد، مهم‌ترین متن فارسی میانه به معنی «کرده دین» یا «اعمال دینی» یا «تألیف دینی» است (تفضلی ۱۳۷۶: ۱۲۸). این کتاب همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید بر پایه مطالب اوستا و شرح آن یعنی زند استوار است، از این رو نام کتاب، موضوع آن را نیز مشخص می‌کند. این

اثر را دومناش «دایرةالمعارف دین مزدایی» می‌نامد و با توجه به مطالب آن نامی مناسب هست. کتاب اثری است گردآوری شده (kardag) و نام دو تن از این گردآوردگان در آخرین فصل کتاب سوم آن یاد شده است و آگاهی‌هایی درباره گردآوردگان و درون‌مایه کتاب نیز در این فصل آمده است. بر پایه این یادکردها و بنابر تصریح گردآوردگان، این کتاب بر اساس الهام دین به مزدیسنی به پیامبر آن، زردشت تنظیم شده و مطالب آن در بردارنده دانش‌هایی است که زردشت به نخستین پیروان خویش (اوستایی: paoiriiō.tkaēša-؛ پهلوی: pōryōtkēšān) آموخته است. سرگذشت کتاب نیز آن‌گونه که در آن آمده است، همانند خود کتاب اوستاست، فرمانروایی تازیان و آشفستگی پایان دوره ساسانی سبب پراکندگی این مجموعه می‌شود تا آنکه آذرفرنبغ پسر فرخزاد، پیشوای بزرگ زردشتیان فارس، که همزمان با مأمون عباسی ۱۹۸-۲۱۷ هـ. می‌زیست، به گردآوری و تنظیم مجدد آن همت می‌گمارد. کار این گردآورنده به سبب بلایی که برای فرزندش پیش می‌آید، ناتمام می‌ماند. این آذرفرنبغ موبدی شناخته و فرهیخته بوده است. پس از فرنبغ موبد دیگری به نام آذرباد فرزند امید (پهلوی: Ādurbād ī Ēmēdān) بر گردآوری مجدد کتاب همت می‌گمارد و آنچه امروز در دست است، ظاهراً همان است که او آخرین بار فراهم آورده و خود بر آن نام «دینکرد هزار فصل» گذاشته است و بنا به یادکرد او نیز این کتاب الهام خداوند به زردشت است که نسل به نسل به سنت شفاهی تا زمان او رسیده است. آخرین تألیف کتاب مربوط به قرن سوم هجری است (راشد، محصل ۱۳۸۹: ۱-۲). کتاب نهم دینکرد شامل سه نسک اوستای دوره ساسانی است که امروزه اصل آنها را در دست نداریم. اگرچه این سه نسک جزو نسک‌های گاهانی به‌شمار آمده‌اند، اما بسیاری از مطالب اساطیری در آنها آمده است که در جای دیگر اثری از آنها نمی‌یابیم. این کتاب بر اساس ترجمه‌ها و تفسیرهای اوستا تدوین شده است (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۳۰).

در این پژوهش سعی شده است به سه پرسش زیر پاسخ داده شود: ۱. نوع واژه‌ها در جمله پایانی متن‌های کتاب نهم دینکرد چیست؟ ۲. آرایش واژگانی در جمله‌های مذکور چگونه است؟ ۳. مفهوم جمله‌ها و مقصود گردآوردگان دینکرد نهم از جابه‌جا کردن واژه‌ها

در آنها چیست؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، به بررسی جمله پایانی در همه متن‌های کتاب می‌پردازیم. برای این پژوهش جمله پایانی هر یک از متن‌های کتاب نهم دینکرد را در سه بخش بررسی می‌کنیم. بخش نخست که شامل بیست و دو فرگرد است و سوتگرنسک نام دارد، بخش دوم که بیست و سه فرگرد دارد و ورشت مانسرنسک نامیده شده، بخش سوم که شامل بیست و دو فرگرد است و بغنسک نام دارد. همچنین متنی با عنوان «در باره گزیده‌ای از همه هات» و متن پایان کتاب را که متنی کوتاه با عنوان «به نام دادور دادگر» است، بررسی خواهیم کرد تا مفهوم این جمله‌ها و مقصود گردآورندگان دینکرد نهم را دریابیم.

در آرایش واژگانی جمله‌های مورد نظر، از قانون احتمال شرطی، اصل ضرب استفاده شده است. برای به دست آوردن همه احتمالات شرطی در یک پدیده که دارای جزء ۱ تا n است از قاعده ضرب استفاده می‌کنیم تا تمامی احتمالات قرارگیری جزء ۱ تا n را در پدیده مشخص کنیم. برای اثبات قاعده ضرب، تعریف احتمال شرطی را در طرف راست رابطه می‌نویسیم (راس ۱۳۹۰: ۷۴-۷۵).

$$P(E_1) \frac{P(E_1 E_2)}{P(E_1)} \cdots \frac{P(E_1 E_2 \dots E_n)}{P(E_1 E_2 \dots E_{n-1})} = p(E_1 E_2 \dots E_n)$$

بدین صورت که در جمله‌ای که دارای ۴ واژه باشد، تعداد احتمالات برای آرایش واژگانی از ضرب زیر به دست خواهد آمد:

$$۲۴ = ۴ \times ۳ \times ۲ \times ۱ = \text{تعداد احتمالات}$$

بدین ترتیب برای آرایش واژگانی جمله پایانی متن‌های کتاب نهم دینکرد که دارای ۴ واژه است، ۲۴ احتمال وجود دارد.

در باره دینکرد نهم تا کنون دو اثر به صورت رساله دانشگاهی در مقطع دکتری تدوین شده است. یکی رساله شادروان احمد تفضلی (۱۳۴۴) با عنوان «تصحیح و ترجمه سوتگر و ورشت مانسرنسک از دینکرد نهم و سنجش این دو نسک با متن‌های اوستایی با واژه‌نامه پهلوی - فارسی» و دیگری رساله فاطمه سیدی با نام «بررسی بغنسک از کتاب نهم دینکرد».

۲. ساختار جمله

جمله مورد بررسی در این پژوهش، جمله خبری ساده و دارای چهار واژه است: *ahlāyīh* که اسم معنی و به معنی «پرهیزگاری، نیکوکاری» است (مکنزی ۱۳۹۴: ۳۵)، *ābādīh* که اسم معنی و به معنی «آبادی، خوشبختی» است (همان: ۲۷)، *pāhlom* که صفت عالی و به معنی «بهترین، برترین» است (Nyberg 1979: 2/148) و فعل ربطی *ast* «است». واژه *ahlāyīh* و *ābādīh* می‌توانند در نقش نهاد (مسندالیه) قرار بگیرند. واژه *pāhlom* که صفت عالی است می‌تواند صفت برای واژه بعد از خود که اسم معنی *ahlāyīh* یا *ābādīh* است، باشد. به این صورت که *pāhlom* با اسم معنی بعد از خود، با هم نقش مسند را داشته باشند:

ahlāyīh pāhlom ābādīh ast.

ābādīh pāhlom ahlāyīh ast.

در جمله نخست *ahlāyīh* «پرهیزگاری» مسندالیه، *pāhlom ābādīh* «بهترین آبادی» مسند، و *ast* «است» فعل ربطی است. در جمله دوم *ābādīh* «آبادی» مسندالیه، *pāhlom ahlāyīh* «بهترین پرهیزگاری» مسند، و *ast* «است» فعل ربطی است.

صفت عالی *pāhlom* همچنین به تنهایی نقش مسند را در جمله دارد:

pāhlom ast ahlāyīh ābādīh.

در این جمله *ahlāyīh* و *ābādīh* هر دو نقش نهادی (مسندالیه) دارند. بدین معنی «پرهیزگاری و آبادی بهترین است».

گردآورندگان کتاب، گویا قصد بازی با کلمات و جابه‌جایی واژه‌ها را در جمله داشته‌اند، همانند شاعران که در شعر خود واژه‌ها را درهم می‌ریزند تا زیبایی و آهنگین شدن را به اشعار خود ببخشند. علاوه بر زبان شعر که به ضرورت وزن و قافیه، نظم طبیعی و منطقی در آن برهم می‌خورد، در زبان محاوره و در زبان نویسندگان و استادان قدیم و جدید نیز برای تکیه و تأکیدی که بر یکی از اجزای جمله دارند یا به حکم ساخت خاص جمله یا به دلایل دیگر یا از روی تفنّن و بدون هیچ دلیلی، نظم جمله برهم می‌خورد و عناصر جمله را پس و پیش

می‌آورند (انوری و احمدی گیوی ۱۳۹۴: ۳۲۰). گردآورندگان دینکرد نهم، همه احتمالات را برای آرایش واژگانی جمله یادشده، استفاده کرده‌اند که جنبهٔ تفنّن داشته است. همچنین این جابه‌جایی، جمله‌هایی با سه معنی و مفهوم متفاوت ساخته است:

ahlāyīh ābādīh pāhlom ast.
ahlāyīh ābādāh ast pāhlom.
ābādīh ahlāyīh pāhlom ast.
ābādīh ahlāyīh ast pāhlom.
pāhlom ast ahlāyīh ābādīh.
pāhlom ast ābādīh ahlāyīh.
ast ahlāyīh ābādīh pāhlom.
ast ābādīh ahlāyīh pāhlom.

در این هشت جمله ahlāyīh و ābādīh موصوف برای صفت pāhlom نیستند و صفت pāhlom به‌تنهایی نقش مسند را دارد و ahlāyīh و ābādīh هر دو نقش نهادی دارند. قرار ندادن ud (واو عطف) میان این دو برای حفظ شکل ظاهری جمله‌ها بوده که تنها چهار واژه یادشده در جمله قرار بگیرد. این هشت جمله دارای یک معنی و مفهوم «پرهیزگاری و آبادی بهترین است» است.

شش جمله دیگر که دارای یک معنی هستند، به شرح زیر است:

ahlāyīh pāhlom ābādīh ast.
ahlāyīh ast pāhlom ābādīh.
pāhlom ābādīh ahlāyīh ast.
pāhlom ābādīh ast ahlāyīh.
ast ahlāyīh pāhlom ābādīh.
ast pāhlom ābādīh ahlāyīh.

در این شش جمله واژه pāhlom صفت برای واژه ābādīh است و پیش از آن آمده است و هر دو با هم نقش مسند را ایفا می‌کنند. واژه ahlāyīh نقش نهادی دارد و این جمله‌ها دارای معنی یکسان «پرهیزگاری بهترین آبادی است» هستند.

شش جمله هم‌معنی دیگر به شرح زیر است:

ābādīh pāhlom ahlāyīh ast.

ābādīh ast pāhlom ahlāyīh.

pāhlom ahlāyīh ābādīh ast.

pāhlom ahlāyīh ast ābādīh.

ast pāhlom ahlāyīh ābādīh.

ast ābādīh pāhlom ahlāyīh.

در این شش جمله واژه pāhlom صفت برای واژه ahlāyīh است، زیرا پیش از آن آمده است و هر دو با هم نقش مسند را در جمله دارند. واژه ābādīh نقش نهادی دارد و این شش جمله دارای معنی یکسان «آبادی، بهترین پرهیزگاری است» هستند.

در جمله‌های زیر واژه pāhlom صفت برای واژه قبل از خود است و نویسندگان باید I (کسره اضافه) را بین صفت و موصوف می‌آوردند، زیرا صفت بعد از موصوف آمده و مستلزم آوردن کسره اضافه I است. در فارسی میانه رابطه میان صفت توصیفی و موصوف را – اگر صفت پیش از موصوف نیامده باشد – کسره اضافه (I) برقرار می‌کند (ابوالقاسمی ۱۳۹۵: ۵۹). وقتی ابهامی پیش نیاید در توالی اضافات، ادات اضافه I حذف می‌شود (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۶۷). اما برای حفظ شکل ظاهری جمله با چهار واژه، نویسندگان از گذاشتن کسره اضافه I خودداری کرده‌اند.

ābādīh pāhlom ast ahlāyīh.

ahlāyīh ast ābādīh pāhlom.

ahlāyīh pāhlom ast ābādīh.

ābādīh ast ahlāyīh pāhlom.

پس این چهار جمله باید به صورت زیر آورده می‌شدند:

1. ābādīh ī pāhlom ast ahlāyīh.

در این جمله ahlāyīh نقش نهادی دارد و ābādīh ī pāhlom نقش مسند را ایفا می‌کند و جمله به معنی «آبادی بهترین است پرهیزگاری» است.

2. ahlāyīh ast ābādīh ī pāhlom.

در این جمله هم مانند جمله پیشین ahlāyīh نقش نهادی و ābādīh ī pāhlom نقش مسند را ایفا می‌کنند و معنی جمله مانند جمله پیشین این‌گونه است: «پرهیزگاری است آبادیِ بهترین».

3. ahlāyīh ī pāhlom ast ābādīh.

در این جمله واژه ābādīh نقش نهادی دارد و ahlāyīh ī pāhlom مسند است و معنی این جمله چنین است: «پرهیزگاریِ بهترین است آبادی».

4. ābādīh ast ahlāyīh ī pāhlom.

در این جمله همانند جمله پیشین ābādīh نقش نهادی دارد و ahlāyīh ī pāhlom نقش مسند را ایفا می‌کند و معنی همانند جمله پیشین به این صورت است: «آبادی است پرهیزگاریِ بهترین».

۳. بررسی جمله‌ها

آوانویسی جمله‌های پایانی بیست‌ودو فرگرد بخش نخست کتاب که سوتگرنسک نام دارد، در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. جمله پایانی فرگردها در سوتگرنسک

فرگرد نخست (مَدَن ۱۳۹۶: ۷۸۸)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد دوم (همان: ۷۸۸)	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh	ast
فرگرد سوم (همان: ۷۸۹)	ahlāyīh	ast	pāhlom	ābādīh
فرگرد چهارم (همان: ۷۹۰)	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom	ast
فرگرد پنجم (همان: ۷۹۰)	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh	ast
فرگرد ششم (همان: ۷۹۲)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد هفتم (همان: ۷۹۲)	pāhlom	ahlāyīh	ābādīh	ast
فرگرد هشتم (همان: ۷۹۴)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد نهم (همان: ۷۹۴)	pāhlom	ast	ahlāyīh	ābādīh

فرگرد دهم (همان: ۷۹۶)	ast	ahlāyīh	ābādīh	pāhloom
فرگرد یازدهم (همان: ۸۰۰)	ast	ābādīh	ahlāyīh	pāhloom
فرگرد دوازدهم (همان: ۸۰۱)	ast	pāhloom	ābādīh	ahlāyīh
فرگرد سیزدهم (همان: ۸۰۲)	ahlāyīh	ābādīh	ast	pāhloom
فرگرد چهاردهم (همان: ۸۰۳)	ahlāyīh	pāhloom	ast	ābādīh
فرگرد پانزدهم (همان: ۸۰۵)	ahlāyīh	ābādīh	pāhloom	ast
فرگرد شانزدهم (همان: ۸۰۶)	ābādīh	ahlāyīh	ast	pāhloom
فرگرد هفدهم (همان: ۸۰۷)	ābādīh	pāhloom	ast	ahlāyīh
فرگرد هجدهم (همان: ۸۰۸)	ābādīh	pāhloom	ahlāyīh	ast
فرگرد نوزدهم (همان: ۸۱۰)	pāhloom	ahlāyīh	ast	ābādīh
فرگرد بیستم (همان: ۸۱۵)	pāhloom	ābādīh	ast	ahlāyīh
فرگرد بیست و یکم (همان: ۸۱۷)	pāhloom	ābādīh	ahlāyīh	ast
فرگرد بیست و دوم (همان: ۸۱۸)	ast	pāhloom	ābādīh	ahlāyīh

در بیست و دو فرگرد نخست سوتگرنسک، گردآورندگان کتاب ترتیب خاصی را برای استفاده از تمام احتمالات ممکن استفاده نکرده‌اند. به همین دلیل گاهی تکرار در آرایش واژگانی جمله‌ها رخ داده است و جمله را به همان صورت در فرگرد دیگری تکرار کرده‌اند. احتمالاتی که برای چنین این چهار واژه در کنار هم وجود دارد، ۲۴ احتمال است که در بیست و دو فرگرد نخست از ۱۹ احتمال استفاده شده و ۵ صورت را در نوشتار خود استفاده نکرده‌اند. علت این اشتباه رعایت نکردن نظم در ترتیب چنین واژه‌ها بوده است. بدین صورت که جمله پایانی فرگرد نخست (یتاهوویریو)، در پایان فرگرد هشتم و پانزدهم تکرار شده است و جمله پایانی فرگرد پنجم در پایان فرگرد هجدهم تکرار شده و جمله پایانی فرگرد دوازدهم، در پایان فرگرد بیست و دوم تکرار شده است. پنج احتمالی که نویسندگان در آرایش واژگانی استفاده نکرده‌اند، به شرح زیر است:

1. ahlāyīh ast ābādīh pāhloom
2. ābādīh ast ahlāyīh pāhloom

3. pāhlom ast ābādīh ahlāyīh

4. ast ahlāyīh pāhlom ābādīh

5. ast ābādīh pāhlom ahlāyīh

به نظر می‌رسد نویسندگان دقت لازم را در به‌کارگیری واژه‌ها در چهار جایگاه رعایت نکرده‌اند و از فرمول خاصی برای چینش بدون تکرار استفاده نکرده‌اند، برای همین بدون در نظر گرفتن پنج احتمال باقی‌مانده، جمله فرگرد نخست را که ahlāyīh ābādīh pāhlom ast بوده، در پایان فرگرد هشتم و پانزدهم تکرار کرده‌اند و نیز جمله فرگرد پنجم را که ahlāyīh ābādīh pāhlom ast بوده، در پایان فرگرد هجدهم تکرار کرده‌اند و همچنین جمله فرگرد دوازدهم را که ahlāyīh pāhlom ābādīh ast بوده، دوباره در پایان فرگرد بیست‌ودوم تکرار کرده‌اند.

آوانویسی جمله‌های پایانی بیست‌وسه فرگرد بخش دوم کتاب که ورثت مانسرنسک نام دارد، در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. جمله پایانی فرگردها در ورثت مانسرنسک

فرگرد نخست (مَدَن ۱۳۹۶: ۸۲۲)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد دوم (همان: ۸۲۳)	ahlāyīh	ābādīh	ast	pāhlom
فرگرد سوم (همان: ۸۲۳)	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh	ast
فرگرد چهارم (همان: ۸۲۳)	ahlāyīh	pāhlom	ast	ābādīh
فرگرد پنجم (همان: ۸۲۵)	ahlāyīh	ast	ābādīh	pāhlom
فرگرد ششم (همان: ۸۲۸)	ahlāyīh	ast	pāhlom	ābādīh
فرگرد هفتم (همان: ۸۳۱)	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom	ast
فرگرد هشتم (همان: ۸۳۵)	ābādīh	ahlāyīh	ast	pāhlom
فرگرد نهم (همان: ۸۴۱)	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh	ast
فرگرد دهم (همان: ۸۴۳)	ābādīh	pāhlom	ast	ahlāyīh
فرگرد یازدهم (همان: ۸۴۶)	ābādīh	ast	ahlāyīh	pāhlom

فرگرد دوازدهم (همان: ۸۴۹)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد سیزدهم (همان: ۸۵۱)	pāhlom	ahlāyīh	ābādīh	ast
فرگرد چهاردهم (همان: ۸۵۴)	pāhlom	ahlāyīh	ast	ābādīh
فرگرد پانزدهم (همان: ۸۵۶)	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh	[ast]
فرگرد شانزدهم (همان: ۸۶۰)	pāhlom	ābādīh	ast	ahlāyīh
فرگرد هفدهم (همان: ۸۶۱)	pāhlom	ast	ahlāyīh	ābādīh
فرگرد هجدهم (همان: ۸۶۴)	pāhlom	ast	ābādīh	ahlāyīh
فرگرد نوزدهم (همان: ۸۶۶)	ast	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom
فرگرد بیستم (همان: ۸۶۷)	ast	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh
فرگرد بیست و یکم (همان: ۸۷۰)	ast	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom
فرگرد بیست و دوم (همان: ۸۷۲)	ast	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد بیست و سوم (همان: ۸۷۳)	ast ast	pāhlom pāhlom	ahlāyīh ābādīh	ābādīh ahlāyīh

در بیست و سه فرگرد ورشت مانسرنسک، همه احتمالات ممکن برای آرایش واژگانی جمله‌ها به کار گرفته شده است، به این صورت که فرگرد نخست تا فرگرد بیست و دوم هر کدام یکی از صورت‌های آرایش واژگانی را در جمله پایان خود دارد، اما فرگرد بیست و سوم دو جمله را با دو آرایش واژگانی متفاوت در انتهای خود دارد. نویسندگان همه ۲۴ احتمال ممکن را بدون خطا و بدون تکرار در این بیست و سه فرگرد به کار برده‌اند و از فرمول خاصی پیروی کرده‌اند، به این صورت که اگر یک واژه در جایگاه اول جمله باشد، شش احتمال برای سه واژه دیگر وجود خواهد داشت که جایشان با هم عوض شود. برای جلوگیری از تکرار بعد از نوشتن یک جمله برای نخستین بار، جایگاه اول و دوم را در جمله بعد با همان واژه‌های جایگاه اول و دوم پر کرده‌اند و آن را تغییر نداده‌اند و واژه‌های جایگاه سوم و چهارم را جابه‌جا کرده‌اند و سپس در جمله بعد در جایگاه دوم واژه جایگاه سوم را قرار داده‌اند و دوباره واژه‌های جایگاه سوم و چهارم را جابه‌جا کرده‌اند و با همین روش شش احتمال

ممکن را به شرطی که یک واژه در جایگاه نخست جمله باشد نوشته‌اند و پس از آن واژه جایگاه نخست را تغییر داده‌اند و دوباره شش احتمال را به شرطی که واژه جدید در جایگاه نخست باشد نوشته‌اند و قصدشان این بوده که هر ۲۴ احتمال در فرگردها به صورتی آورده شود که در فرگرد دیگری تکرار نشده باشد و با این فرمول سعی کرده‌اند که از آرایش واژگانی جمله در فرگردهای بعدی با همان صورت خودداری کنند. درواقع از احتمال شرطی، اصل ضرب استفاده کرده‌اند.

آوانویسی جمله‌های پایانی بیست و دو فرگرد بخش سوم کتاب نهم دینکرد یعنی بغ‌نسک و متن «گزیده‌ای از همه هات»، و سپس متن «دادور دادگر» که متن پایان کتاب است در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳. جمله پایانی فرگردها در بغ‌نسک تا پایان کتاب

فرگرد نخست (مَدَن ۱۳۹۶: ۸۷۶)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast
فرگرد دوم (همان: ۸۷۷)	ahlāyīh	ābādīh	ast	pāhlom
فرگرد سوم (همان: ۸۷۸)	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh	ast
فرگرد چهارم (همان: ۸۸۴)	ahlāyīh	pāhlom	ast	ābādīh
فرگرد پنجم (همان: ۸۸۸)	ahlāyīh	ast	ābādīh	pāhlom
فرگرد ششم (همان: ۸۹۲)	ahlāyīh	ast	pāhlom	ābādīh
فرگرد هفتم (همان: ۹۰۳)	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom	ast
فرگرد هشتم (همان: ۹۰۴)	ābādīh	ahlāyīh	ast	pāhlom
فرگرد نهم (همان: ۹۰۷)	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh	ast
فرگرد دهم (همان: ۹۰۸)	ābādīh	pāhlom	ast	ahlāyīh
فرگرد یازدهم (همان: ۹۱۳)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد دوازدهم (همان: ۹۱۸)	ābādīh	ast	pāhlom	ahlāyīh
فرگرد سیزدهم (همان: ۹۲۱)	pāhlom	ahlāyīh	ābādīh	ast
فرگرد چهاردهم (همان: ۹۲۳)	pāhlom	ahlāyīh	ast	ābādīh

فرگرد یازدهم (همان: ۹۲۵)	pāhlom	ābādīh	ahlāyīh	[ast]
فرگرد شانزدهم (همان: ۹۲۶)	pāhlom	ābādīh	ast	ahlāyīh
فرگرد هفدهم (همان: ۹۲۸)	pāhlom	ast	ahlāyīh	ābādīh
فرگرد هجدهم (همان: ۹۳۰)	pāhlom	ast	ābādīh	ahlāyīh
فرگرد نوزدهم (همان: ۹۳۲)	ast	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom
فرگرد بیستم (همان: ۹۳۴)	ast	ahlāyīh	pāhlom	ābādīh
فرگرد بیست و یکم (همان: ۹۳۶)	ast	ābādīh	ahlāyīh	pāhlom
فرگرد بیست و دوم (همان: ۹۳۶)	ast	ābādīh	pāhlom	ahlāyīh
درباره گزیده‌ای از همه هات (همان: ۹۴۶)	ast ast	pāhlom pāhlom	ahlāyīh ābādīh	ābādīh ahlāyīh
به نام دادور دادگر (همان: ۹۵۳)	ahlāyīh	ābādīh	pāhlom	ast

در بخش سوم کتاب، یعنی بیست و دو فرگرد بغ‌نسک به علاوه متنی با عنوان گزیده‌ای از همه هات، ۲۳ احتمال از ۲۴ احتمال ممکن، در آرایش واژگانی جمله‌های پایانی به کار رفته است. بدین صورت که هر متن جمله پایانی صورتی دارد که در فرگردهای دیگر تکرار نشده است، به غیر از متن یازدهم که جمله فرگرد دوازدهم در پایان آن تکرار شده است. در بخش سوم کتاب دینکرد نیز نویسندگان از همان فرمولی که در نوشتن جمله‌های بخش دوم به کار برده‌اند استفاده کرده‌اند، اما در فرگرد یازدهم دچار اشتباه شده‌اند و جمله پایانی فرگرد دوازدهم را در فرگرد یازدهم نیز آورده‌اند، که این جمله به صورت *ābādīh ast pāhlom* *ahlāyīh* است و به دلیل اشتباه صورت گرفته، جمله *ābādīh ast ahlāyīh pāhlom* را که یکی از ۲۴ احتمال است اصلاً در بخش سوم به کار نبرده‌اند. جمله پایان هر متن دارای یک صورت از بیست و چهار احتمال آرایش واژگانی است به جز متن «گزیده‌ای از همه هات» که دو جمله را به دو صورت متفاوت در پایان خود دارد. متن پایانی کتاب دینکرد نهم یعنی متن «به نام دادور دادگر» با جمله‌ای در انتهای آن با همان صورتی که جمله پایانی در فرگردهای نخست هر بخش آمده است، یعنی با جمله *ahlāyīh ābādīh pāhlom ast* پایان یافته

است، اما واژه *ābādīh* به اشتباه به صورت *ābādag* آورده شده است که در جدول بالا به صورت درست نوشته شده است.

۴. نتیجه‌گیری

گردآورندگان دینکرد نهم با آوردن جمله‌ای با فعل اسنادی که دارای چهار واژه *ahlāyīh*، *pāhlom*، *ābādīh* و *ast* است، قصد دادن پیامی را به خواننده کتاب داشته‌اند که با تغییر جای این واژه‌ها در جمله، با استفاده از اصل ضرب در قانون احتمال شرطی و به کار بردن ۲۴ احتمال ممکن، سه پیام متفاوت را به خواننده کتاب رسانده‌اند:

۱. پرهیزگاری، بهترین آبادی است.

۲. آبادی، بهترین پرهیزگاری است.

۳. پرهیزگاری و آبادی بهترین است.

این سه جمله در حقیقت ترجمه دعای اشم‌وهو است و این دعا در دین زردشتی تعریف مشخصی دارد، اما در اینجا تنها ترجمه آن به لحاظ آرایش واژگانی بررسی شده است. نویسندگان کتاب نهم دینکرد با استفاده از هوش و فراست خود، فرمولی را برای به کارگیری هر ۲۴ احتمال در آرایش واژگانی جمله‌ها با چهار واژه یادشده ساخته‌اند، به این صورت که هنگامی که یک واژه را برای نخستین بار در جایگاه نخست جمله قرار داده‌اند، ۶ احتمال ممکن را برای قرارگیری سه واژه دیگر در سه جایگاه باقی مانده آورده‌اند، به این گونه که در جمله بعد واژه‌های جایگاه اول و دوم را تغییر نداده‌اند و واژه‌های جایگاه سوم و چهارم را جابه‌جا کرده‌اند و سپس در جمله پس از آن در جایگاه دوم، واژه جایگاه سوم را قرار داده‌اند و دوباره همین روش را تکرار کرده‌اند، تا ۶ احتمال ممکن به شرطی که یک واژه در جایگاه نخست باشد نوشته شود و سپس واژه دیگری را در جایگاه نخست قرار داده‌اند و ۶ احتمال ممکن را برای آن نیز نوشته‌اند و این کار را برای واژه‌های بعد هم انجام داده‌اند تا نهایتاً ۲۴ احتمالی که برای جمله‌ها وجود دارد. با استفاده از این فرمول، امکان تکراری را که در بخش

نخست کتاب در جمله‌های پایان فرگردها روی داده است، به حداقل رسانده‌اند. همچنین نویسندگان با نیاوردن واو عطف (ud) بین دو کلمه *ahlāyīh* و *ābādīh* که در جایگاه نهادی (مسندالیه) قرار دارند و نیز نیاوردن کسره اضافه (ī̄)، هنگامی که صفت عالی *pāhlom* پس از موصوف خود قرار گرفته است، شکل ظاهری جمله را با چهار واژه در همه ۲۴ احتمال حفظ کرده‌اند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۹۵، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران.
آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۸۲، زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن، تهران.
انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن، ۱۳۹۴، دستور زبان فارسی ۲، تهران.
تفضلی، احمد، ۱۳۴۴، تصحیح و ترجمه سوتگر و ورشت مانسرنک از دینکرد ۹ و سنجش این دو نسک با متن‌های اوستایی یا واژه‌نامه پهلوی - فارسی، دانشگاه تهران.
_____، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران.
راس، شلدون، ۱۳۹۰، مبانی احتمال، تهران.
راشدمحصل، محمدتقی، ۱۳۸۹، دینکرد هفتم، تهران.
مکنزی، د.ن.، ۱۳۹۴، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران.

Madan, D., M., 1911, *Pahlavi Dinkard*, Part II, Bombay.
Nyberg, H.S., 1974, *A Manual of Pahlavi*, vol. 2, Wiesbaden.